

بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۸

سید نظام الدین مکیان*

شهناز ناصری**

چکیده

در نظام‌های اقتصادی تأمین معاش و رفع نیازهای ضروری و عادی مردم رکن اصلی زندگی فردی و اجتماعی است. با توجه به اینکه هدف مدیریت نظام اجتماعی رشد اقتصادی و تعالی جامعه می‌باشد و این هدف مستلزم داشتن امکانات و روش‌هایی برای رسیدن به نتیجه مطلوب است چنانچه دستیابی به هدف میسر نشود مشکلات فراوانی در نظام‌های اقتصادی رخ خواهد داد. سؤال این است که آیا اهداف نظام‌های اقتصادی با یکدیگر وجه اشتراک دارند یا متفاوت از هم می‌باشند؟ اهمیت و ضرورت پاسخ به این سؤال نیازمند بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای میان نظام‌های اقتصادی است. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش تلاش شده است که به عنوان نمونه با بررسی و مطالعه مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری به این مهم پرداخته شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت مکتب اقتصاد اسلامی و نظام سرمایه‌داری در قالب اهداف غایی، عالی، میانی و جاری با توجه به نحوه رسیدن به آنها و هم‌چنین جهان‌بینی حاکم بر هر کدام متفاوت است.

وازگان کلیدی: هدف مکتب اقتصاد اسلامی، هدف نظام اقتصاد سرمایه‌داری

طبقه‌بندی P51,P1 JEL

n.makiyan@yazd.ac.ir

sh.naseri.1988@gmail.com

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه بزد

** دانشجوی کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه بزد (نویسنده مسئول)

مقدمه

نظام اقتصادی عبارت است از مجموعه مرتبط و منظمی از عناصر که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر نظام اقتصادی؛ مجموعه هماهنگی از نهادهای حقوقی و اجتماعی است که در بطن آن برخی وسائل سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر به منظور برقراری تعادل اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نمایزی، ۱۳۹۳، ص. ۳۹). در شکل گیری هر نظامی از جمله نظام اقتصادی و فعالیت‌های نظاممند آن، جایگاه اهداف، غیرقابل انکار است. با تعیین اهداف می‌توان نیازها، امکانات و روش‌های وصول به آن را تعیین کرد. بنابراین، اگر اهداف اقتصادی نظام به دقت تعیین نشود، تبیین ابعاد و ویژگی‌های آن، تعیین نیازها، امکانات و روش‌های وصول به اهداف اقتصادی، امری مشکل و با اشتباها فراوان روبرو خواهد بود. اهداف یک نظام اقتصادی مقاصدی هستند که اجزاء نظام برای دست‌یابی به آن سامان می‌یابند. ممکن است تصور شود نظام‌های اقتصادی دارای اهداف مشترک هستند و اختلاف در راهها و روش‌های دست‌یابی به اهداف مشترک، اولویتی است که برای هر هدف در نظر گرفته می‌شود. هر نظام اقتصادی دارای جهان‌بینی خاص خود است که براساس آن برداشت‌هایی از مبدأ خلقت، جهان هستی، انسان و اجتماع و روابط آنها با یکدیگر دارد و بر مبنای این برداشت‌ها، ارزش‌هایی را پذیرفته است. بنابراین هر مکتب اقتصادی بر اساس برداشت‌ها و ارزش‌های پذیرفته شده خود، راه حل‌های را برای مسائل ارائه می‌دهد (نمایزی، ۱۳۹۳، ص. ۴۱). در مکتب اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت و تبیین اهداف اقتصادی آن بر اساس متون دینی و مقایسه آن با اهداف اقتصادی سایر دولتها به ادبیات اقتصادی نیازمند است.

مطالعه نظام‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی آن‌ها همانند دیگر نظام‌های اجتماعی تحت تأثیر جهان‌بینی حاکم بر نظریه پردازان آن نظام است (موسویان، ۱۳۸۱، ص. ۳۸). اقتصاد اسلامی از لحاظ هدف یک اقتصاد واقعی است. زیرا اسلام در نظامها و قوانین خود هدف‌هایی را منظور می‌دارد که با واقعیت انسانی، از نظر خوبی و سوشت و انگیزه‌ها و خصایص عموم هماهنگی دارد و سعی می‌کند که در وضع قوانین خود با انسان دروغ نگوید و او را در محیطی که مافق قدرت اوست به پرواز در نیاورد. بلکه اسلام همیشه روش‌های اقتصادی خود را بر اساس دید واقعی انسان می‌گذارد و هدف‌هایی را دنبال می‌کند که به آن دید واقعی بدهد. اقتصاد اسلامی همچنین در روش خود واقعی می‌باشد و همانطور که

هدف‌های واقعی را که امکان وصول به آن‌ها وجود دارد را اتخاذ کرده، راه رسیدن به این اهداف را نیز ضمانت کرده است (صدر، ۱۳۴۸، ص ۳۶۶).

در این مقاله سعی شده است با توجه به تعاریف، مکتب اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌داری و نگرش و جهان‌بینی حاکم بر هر کدام از آن‌ها، به بررسی اهداف اقتصادی آنها پردازد. سپس این دو را با توجه به اهداف اقتصادی مورد نظر با همیگر مقایسه کند. بنابراین، پس از بیان مقدمه، در بخش اول به مبانی نظری در سه مبحث تعاریف نظام اقتصادی، مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری و در بخش دوم به پیشینه موضوع تحقیق می‌پردازد. بخش سوم دو مکتب اقتصادی اسلام و نظام سرمایه‌داری با توجه به دو شاخص جهان‌شمولی و اهداف نظام‌های اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بخش چهارم به نتیجه‌گیری تحقیق اختصاص دارد.

۱. مبانی نظری

مطالعه نظام‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی آنها همانند دیگر نظام‌های اجتماعی تحت تأثیر جهان‌بینی حاکم بر نظریه‌پردازان آن نظام‌ها است. بر این اساس شناخت درست نظام‌های اقتصادی و اصول پذیرفته شده بر آن‌ها بر شناخت دقیق مبانی فکری و فلسفی شکل دهنده آنها متوقف است. بنابراین به منظور شناخت نظام‌های اقتصادی در این قسمت به ذکر تعاریفی برای نظام اقتصادی، مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعاریف

۱-۱-۱. نظام اقتصادی

نظام در تئوری عمومی نظام‌ها به مجموعه‌ای از اجزایی به هم پیوسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدف‌های معینی هماهنگ است (چارلزوت، ۱۳۶۹، ص ۲۶). با توجه به این تعریف، نظام اقتصادی، مجموعه‌ای است از اصول و عناصر که بر اساس آن‌ها، چارچوب فعالیت‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. بر همین اساس این مجموعه دارای مبانی بنیادین و فلسفی، اصول عام عملی و قواعد رفتارهای اقتصادی می‌باشد که اساس و منبعی برای استنباط چارچوب نظم رفتارهای اقتصادی به حساب می‌آید. در مبانی بنیادین، معرفت‌های ریشه‌ای و اساسی نظام

اقتصادی در مورد مسائل اقتصادی از قبیل تولید، توزیع و مصرف مطرح می شود و بر اساس این نوع معرفت ها نگاه و نگرش کلی به این مسائل می شود. اصول عام عملی نیز چارچوب های حقوقی - اجتماعی رفتارهای اقتصادی را تعیین می کند. در واقع حقوقی از قبیل نوع مالکیت، حدود معاملات مالی و قلمرو فعالیت مبادلاتی بخش خصوصی در این مباحث مطرح می شود. قواعد جزئی رفتارها و تلاش های اقتصادی که در واقع هنجره های آن ها به حساب می آید، نیز قواعد عملی این مباحث است؛ مثلاً در نظام سرمایه داری، عنصر آزادی اقتصادی و این که در سایه این اصل هماهنگی بین مصالح فردی و اجتماعی تحقق خواهد یافت، به عنوان یک اصل کلی از مبانی فلسفی مطرح است. بر همین اساس می توان گفت که هر نظام اقتصادی علاوه بر مبانی فلسفی و اصول کلی اهداف، راهبردهای عملی را نیز ارائه می دهد (نظری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸). هر نظام اقتصادی در جهت تحقق نتیجه مطلوب عمل می کند و نتیجه مطلوب ارتباط فراوانی با فلسفه اساسی هر نظام دارد. همچنین بر الوبیت های اجتماعی برگزیده مانند افزایش رفاه یا عدالت در توزیع، آزادی فردی یا استقلال جامعه، رشد اقتصادی یا حفظ اصول اخلاقی و ... مبتنی است؛ به همین دلیل هر نظامی بر اساس مقدار سازگاری فلسفه و اصول و روش های عمل آن با فطرت انسانی از یک سو و مقدار کارایی آن در تحقق اولویت هایی که آن نظام نصب العین خود قرار داده از سوی دیگر ارزیابی می شود (قحف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵).

۱-۱-۲. مکتب اقتصاد اسلامی

مکتب اقتصادی اسلام مجموعه ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است. که از کتاب و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و عقل استنباط می شود. الگوهای فوق چگونگی پیوند شرکت کنندگان در نظام اقتصادی به یکدیگر و منابع اقتصادی را تبیین کرده؛ و بر اساس مبانی بینشی و در چارچوب اخلاق حقوق اقتصادی در جهت اهداف اقتصادی اسلام سامان یافته است (میرمعزی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). مکتب اقتصاد اسلام بر اساس جهان بینی، اصول و احکام اسلامی شکل گرفته و در مقایسه با بعضی از نظام های اقتصادی که صرفاً به صورت نظری ارائه شده اند ولی در عمل تحقق نیافتدند از این امتیاز برخوردار است که اگر چه در مقطعی نسبتاً کوتاه و گذشته ای دور یعنی صدر اسلام به وجود آمده ولی در عمل تحقق یافته است. از منظر تحلیل روش های سه گانه تاریخی، تحلیلی و عملکردی در بررسی نظام های اقتصادی، روش تحلیلی برای بررسی مکتب اقتصادی اسلام مناسب تر است؛ به این معنا که نظریات و اصول این نظام را می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد

و میران انسجام و سازواری آن نظریات و ارتباط منطقی میان آن‌ها را مشخص کرد. همچنین تأثیر جهان‌بینی اسلام بر شکل‌گیری این اصول به خوبی قابل بررسی و تحلیل است. برای مثال دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به فرد و جامعه، آزادی‌های فردی، مالکیت، نقش دولت در اقتصاد و نظریه توزیع درآمد، هم به لحاظ انسجام و سازواری با یکدیگر و هم از نظر ارتباط هر یک با جهان‌بینی و نظریات اساسی اسلام و هم از لحاظ هماهنگی و انسجام احکام مربوط به هر یک از آن‌ها با یکدیگر و همچنین در مجموع قابل تجزیه و تحلیل هستند (نمایی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۲).

۱-۱-۳. نظام اقتصاد سرمایه داری

سرمایه‌داری به عنوان یک مفهوم کلیدی از انتقادات اجتماعی و یک مفهوم برای تجزیه و تحلیل اقتصادی و اجتماعی و تاریخی در زبان‌های غربی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم ظاهر شد (Kocka, 2015: 105). نظام سرمایه‌داری، نظام اقتصادی حاکم بر جهان می‌باشد که در مورد آن تحلیل‌ها و قضایت‌های مخالف و موافق زیادی صورت می‌گیرد. ساموئلسون، اقتصاددان معروف، در تعریف نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌گویند: «نظام مذکور، سازمانی است که در آن اکثریت اموال، داری‌ها و ابزار تولید به طور خصوصی مورد تملک واقع شده و بازار به عنوان ابزار تخصیص منابع و ایجاد درآمد محسوب می‌شود». رابت هیل برونر بیان می‌کند: «نظام اقتصاد سرمایه‌داری مجموعه‌ای از نهادها و اندیشه‌های کلیدی می‌باشد که اساسی‌ترین اندیشه‌ها، مشروعيت تملک خصوصی بر ابزار تولید می‌باشد و اصلی‌ترین نهاد بازار در آن کنترل نشده است». هر دو تعریف با وجود تفاوت‌های ظاهری، دو عنصر مالکیت و تخصیص را به عنوان محورهای شناسایی نظام سرمایه‌داری موردن تأکید قرار داده‌اند. بنابراین، اساسی‌ترین رکن‌های نظام سرمایه‌داری عبارت‌اند از: انجام مبالغه آزاد فعالیت‌های تولیدی در قالب بازار، در دست داشتن قیمت‌ها توسط کارگزاران خصوصی، وجود بازار رقابت و حضور کمرنگ دولت در این نظام اقتصادی است (دادگر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷). فریدمن استدلال می‌کند که نظام سرمایه‌داری، نظامی است که در آن مالکیت ابزار تولید به جای این که در دست سازمان‌های فراغیر مانند دولت و کلیسا باشد، به تنها‌یی در دست افراد خصوصی و یا گروه‌های خاص (شرکت‌ها) می‌باشد. وی معتقد است که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برای وجود آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری ضروری است (Pryor, 2010: 93). نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر مبنای مکتب‌های اقتصادی فیزیوکراتیسم و کلاسیک و جهان‌بینی پذیرفته شده به وسیله آن‌ها یعنی جهان‌بینی

مکتب دئیسم (خداشناسی طبیعی) و ناتورالیسم (اصالت طبیعت) و لیبرالیسم (اصالت فرد و آزادی های فردی) اقتصادی شکل گرفته است که تحت تأثیر این مکاتب اقتصادی بیشترین موفقیت نظام اقتصادی را در فراهم آوردن زمینه برای به حداقل رساندن سود شخصی افراد از طریق آزادی های فردی و رقابت معرفی می نماید و ضمن تأکید بر همسویی منافع فرد و جامعه مکانیسم های ایجاد کنند تعادل اقتصادی خودکار را برای برقراری تعادل اقتصادی کافی دانسته و در نتیجه هر نوع مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی را مردود می داند و توزیع درآمد براساس مکانیسم بازار را بهترین و عادلانه ترین نوع توزیع درآمد می داند (نمایزی، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه علمی موضوع، به جز کتاب اقتصادنای شهید صدر بندرت مقاله یا کتابی که به طور مستقیم به موضوع مورد بحث پیربازد، وجود دارد؛ میرمعزی (۱۳۷۸) مقاله ای تحت عنوان «تقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام»، اهداف غایی و میانی نظام سرمایه داری را بررسی کرده و نشان داده است که در نظام سرمایه داری، رفاه با مفهوم خاصی، هدف غایی و رشد و عدالت توزیعی (در موقعیتی ویژه) اهداف میانی هستند؛ یعنی از آن رو که در رفاه مؤثر بوده اند هدف واقع می شوند. وی در این مقاله نشان داده که تفسیر این نظام از رفاه، رشد و عدالت و اولویتی که برای هریک قائل است برداشت خاصی از مفهوم سعادت فرد و جامعه است و این خود، بر نگرش خاصی به انسان و جامعه مبتنی است که از دیدگاه اسلام به نقد کشیده شده و نشان داده شده که نگرش اسلام به انسان و جامعه، در مقابل نگرش مکتب سرمایه داری است و به همین دلیل سعادت فرد و جامعه از دیدگاه اسلام، بسیار متفاوت با تفسیری است که مکتب سرمایه داری از سعادت می نماید.

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله ای تحت عنوان «دین و اقتصاد» با نقد و بررسی دیدگاه های اندیشه وران مسلمان، رابطه منطقی دین با نظام اجتماعی به ویژه اقتصادی را تبیین کرده است. وی در این مقاله به بررسی دیدگاه چهار گروه مختلف از اندیشه وران مسلمان پرداخته است. گروه سوم از این اندیشه وران، هدف دین را سعادت دنیا و آخرت انسان برشمرده اند و به تبع آن ها، تعالیم پیامبران را شامل دنیا و آخرت می دانند و معتقدند در طراحی نظام اقتصادی، باید اهداف، اصول و چارچوب های اساسی را با توجه به آموزه های دینی تعریف کرد.

یوسفی (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان «ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن» ابتدا با تعیین جایگاه نظام اجتماعی - اقتصادی، یکی از زیر نظام های آن را معرفی کرده و

سپس روشن نموده که اهداف نظام‌های اقتصادی با اهداف دیگر زیرنظام‌های آن متمایز است و مبانی اعتقادی نظام اقتصادی در تعیین اهداف آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مقاله پیش رو نسبت به مقالات مذکور تا حدودی متمایز است و به دنبال بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی با نظام اقتصاد سرمایه‌داری به روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای است.

۳. تطبیق دو مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری

۱- ثابت و جهان‌شمول بودن نظام‌های اقتصادی

جهان‌بینی، ساختار ذهنی است که تمام مشکلات مربوط به هستی را به طور منظم و مبتنی بر فرضیه‌های برتر حل می‌کند، به گونه‌ای که هیچ پرسشی بدون پاسخ نمانده و جایگاه ثابت هر چیز مورد نظر را نیز مشخص می‌کند. به عبارت دیگر جهان‌بینی برداشت کلی از مجموعه جهان هستی است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰). دین اسلام جهان‌بینی و ارزش‌های خاصی را معرفی کرده است که با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کنند و به صورت منطقی می‌توان اثبات کرد که آن جهان‌بینی و ارزش‌ها مستلزم اهداف خاصی هستند که در منابع اسلامی (قرآن و احادیث) به آنها تصریح شده است. از سه طریق می‌توان این نکته را اثبات کرد که مفهوم جهان‌بینی در نظام‌های اقتصادی متفاوت است.

الف) مفهوم سعادت انسان و جامعه از دیدگاه اسلام

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، لذت‌ها و رنج‌های دنیوی از جهت کمیت و کیفیت بالذات‌ها و رنج‌های اخروی قابل قیاس نیست. اسلام گرایش فطری به لذت و فرار از رنج‌ها را به رسمیت می‌شناسد و با دستورالعمل‌های خود، انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند. قرآن کریم نیز در مقایسه بین لذت‌های دنیوی و اخروی به منظور دعوت به سوی آخرت و تشویق انسان به حرکت در مسیر سعادت معنوی با تعبیراتی نظیر «زندگی آخرت بهتر و پایدارتر است»^{*} انسان‌ها را به کسب لذت‌های پایدارتر برای رسیدن به سعادت دعوت می‌کند. بر اساس جهان‌بینی اسلام سعادت اعم از لذت مادی است و مفهوم زندگی ساعتماندانه اشاره به مدلی از حیات دارد که علاوه بر اینکه در پی کسب حداکثر لذت‌های پایدار و مشروع مادی در چارچوب شریعت و اخلاق است، نقطه توجه و تأکیدش را بر کسب رضایت الهی و تعالیٰ معنوی

۱. سوره اعلی، آیه ۱۷

انسان قرار داده است. ولی از دیدگاه سرمایه داری که افکار فایده گرایان زیربنای مکتب آنها است، انسانی سعادتمند است که لذت مادی و دنیوی او بیشینه و درد و رنج های او کمینه باشد. لذا هدف غایی سرمایه داری آن است، که بیشترین افراد به بیشترین لذت دنیوی با کمترین درد و رنج دست یابند. اصلی ترین دیدگاه فایده گرایان آن است که لذتها و رنجها را در نوع مادی و دنیوی محصور می کنند (فراهانیفرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

ب) انسان در جهان بینی اسلام

در جهان بینی اسلام هدف از آفرینش انسان^۱ و بعثت انبیاء^۲ تزکیه و تعلیم انسان ها و حرکت دادن آنها به سوی دنیا و آخرت است. انسان در نگرش اسلامی موجودی دو بعدی و متشکل از جسم و روح است^۳. واقعیت و حقیقت انسان روح اوست همراهی روح و بدن در دنیا بدان سبب است که بدن ابزار کار روح در این دنیا است. بی تردید رفتارهای انسان نظری کیفیت خوردن، پوشیدن، چگونگی کسب و کار بر بدن و روح وی مؤثر است. برخی از این رفتارهای اقتصادی با تأثیر مثبت بر روح انسان او را در مسیر عبودیت پورده گار تغییب می کنند و برخی دیگر دارای آثار منفی هستند (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۹). از دیدگاه قرآن کریم انسان اقتصادی حداکثر کننده بهره مندی های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی در گستره تولید، توزیع و مصرف با بهترین ترکیب و الوبت بخشی به منافع اخروی به هنگام تراحم تعریف می شود. ولی در جهان بینی سرمایه داری کمال نهایی انسان در قلمرو غراییز فرد و جنبه های مادی اش تحقق می یابد. بنابراین از دیدگاه این مکتب انسان اقتصادی حداکثر کننده منفعت شخصی تعریف می شود و بی جویی نفع شخصی در کار علاقتی است ابزاری از ویژگی های مهم آن به شمار می رود که نفع شخصی نیز به سود و منفعت مادی در این جهان منحصر می شود (ایروانی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

ج) نظام علت و معلولی در جهان بینی اسلام

از دیدگاه اسلام جهان دارای نظام مستقн علی و معلولی است^{۴*}. در مبانی فلسفی نظام سرمایه داری نیز نظام طبیعی پذیرفته شده است ولی میان این دو دیدگاه دو تفاوت عمده وجود

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶

۲. سوره جمude، آیه ۶۲

۳. سوره حجر، آیه ۲۸ و ۲۹

۴. سوره ملک، آیات ۳ و ۴

دارد. ۱) از دیدگاه اسلام خداوند نه تنها علت حدوث است، بلکه علت بقای این نظم نیز به شمارمی‌آید و تنها اوست که به اسباب سببیت می‌بخشد و هستی را پایدار نگه می‌دارد.^{۵۰} ولی براساس براساس اصول دئیسم که مهم‌ترین عنصر جهان‌بینی نظام سرمایه‌داری است اصلی‌ترین مبنای اعتقادی که بر اساس این جهان‌بینی مطرح شد «عدم دخالت تشریعی پروردگار» است (Ageles, 1981: 59). بر این مبنای گفته می‌شود که خداوند پدیدآورنده این نظم است ولی در پایداری اش نقشی ندارد. نتیجه این تفاوت آن است که براساس دیدگاه سرمایه‌داری نظم موجود در جهان پیوسته ثابت است و علتها همیشه علت می‌مانند، ولی بر اساس دیدگاه قرآن خداوند قادر است هرگاه مصلحت بداند علیت را از هر علتی که بخواهد سلب کند، چنان‌که در واقعه به آتش افکنند حضرت ابراهیم(ع) سوزانندگی را از آتش گرفت.^{۵۱} ۲) نظام طبیعی از دیدگاه قرآن به جهان ماده منحصر نیست و مجردات را نیز شامل می‌شود. از این دیدگاه دو نظام علت و معلولی مادی و مجرد بر جهان حاکم است^{۵۲} ولی در مبانی فلسفی اقتصاد سرمایه‌داری این نظم، به جهان ماده محدود است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

۲-۳. اهداف مکتب اقتصاد اسلامی و تطبیق آنها با اهداف نظام سرمایه‌داری

اهداف نظام اقتصادی مقاصدی هستند که اجزاء نظام‌ها برای دست‌یابی بدان سامان می‌یابند. ممکن است که تصور شود، نظام‌های اقتصادی دارای اهداف مشترکند و اختلاف، در راه و روش‌های دست‌یابی به اهداف مشترک و اولویتی است که برای هر هدف در نظر گرفته می‌شود، ولی افرون بر اختلاف در روش‌ها و اولویت‌ها، تفسیری که از برخی اهداف می‌شود نیز متفاوت است. به طور کلی اهداف نظام‌های اقتصادی عبارتند از: رفاه عموم، عدالت توزیعی، رشد اقتصادی، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، حفظ محیط‌زیست و مدیریت منابع، آموزش و سلامت مردم. لازم به ذکر است که همه‌ی این اهداف در یک رتبه قرار ندارند (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۶۵). با بهره‌گیری از عقل و دلایل نقلی و با توجه به جهان‌بینی حاکم بر نظام‌های اقتصاد اسلامی اهدافی برای آن‌ها به دست می‌آید که این اهداف به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱) اهداف غایی، ۲) اهداف عالی، ۳) اهداف میانی، ۴) اهداف جاری. این چهار دسته در طول هم قرار دارند و برای دستیابی به اهداف بالاتر ناگزیر باید از راه وصول به اهداف مرتبه پایین‌تر آغاز کرد. در زیر به توضیح هر کدام از اهداف مکتب اقتصاد اسلامی در مقابل نظام اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته می‌شود.

۵. سوره‌های هود، آیه ۵۷ و بقره، آیه ۲

۶. سوره نبیاء، آیه ۶۹

۷. سوره‌های ملک، آیه ۱ و پس، آیه ۸۳

۳-۲-۱. اهداف غایی

تمام نظامهای موجود در اسلام، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... همانگ با پکدیگر در صدد تحقق هدف غایی هستند. این هدف، همان تربیت و هدایت مردم برای رسیدن به قرب الهی و شایستگی برای بندگی خداوند است. اصلی ترین هدفی که پیامبران برای آن برانگیخته شده‌اند، تربیت و هدایت انسان و رسانیدن او به جوار قرب الهی است. شهید مطهری این مطلب را در بحثی که آیا اهداف اصلی پیامبران قرب الهی است یا برقراری عدالت مطرح می‌کند و در پایان این بحث می‌فرماید غایت و کمال واقعی هر موجودی در حرکت به سوی خداوند متعال خلاصه می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵ وحی و نبوت، ص ۳۳). بنابراین بر اساس جهان بینی اسلام، سعادت اعم از لذت مادی است و مفهوم زندگی سعادتمدانه اشاره به مدلی از حیات انسان دارد که علاوه بر اینکه در پی حداکثر لذت‌های پایدار و مشروع مادی در چارچوب شریعت و اخلاق است، نقطه توجه و تأکیدش بر کسب رضایت الهی و تعالی معنوی انسان قرار داده است. به طور کلی هدف غایی مکتب اسلام، دست‌یابی بیشترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت خداوند است (فراهانی فرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص ۱۳). ولی در نظام سرمایه‌داری، هدف نهایی کسب حداکثر سود ممکن از امکانات مادی در چارچوب ارزش‌های آزادی‌خواهانه لیبرالیستی است که تنها قید لازم الاجرا در این نظام عدم تعرض به آزادی‌های فردی دیگران و عدم ایجاد بی‌ثبتاتی و نالمنی در پیکرۀ نظام سرمایه‌داری است (فراهانی فرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص ۸).

۳-۲-۲. اهداف عالی

بر اساس آموزه‌های اسلامی عدالت، امنیت و رشد اقتصادی اهداف مکتب اقتصادی اسلام هستند که تحقق و پی‌گیری آن‌ها جهت رسیدن به رفاه عمومی ضروری است. هرگاه این اهداف برای تحقق رفاه عمومی باشند این امر به این معنا است که رفاه عمومی بر اساس آموزه‌های اسلامی هدف عالی مکتب اقتصادی اسلام است (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۹۲). برای اثبات این مطلب از دو دلیل عقلی و نقلی استفاده شده است. ۱) دلیل عقلی: هدف از آفرینش انسان کمال و رستگاری او است که چنین هدفی با کمال هر دو بعد مادی و روحی وی ممکن می‌شود، البته کمال بعد مادی انسان باید در خدمت کمال بعد روحی او قرار گیرد تا سعادت نهایی انسان حاصل شود. بی‌تردید، انسانی که دارای عقل و بدن سالم باشد، توان حرکتش به سوی کمال و سعادت، بیش از انسانی است که از این دو نعمت بزرگ الهی بهره چندانی ندارد. انسان در صورتی می‌تواند عقل و بدن سالم داشته باشد که از رفاه مادی مناسب بهره‌مند باشد.

۲) دلیل نقلی: در روایات مصومون(ع) واژه رفاه، آسایش یا مصاديقی از این واژه‌ها به صورت هدف جامعه اسلامی تأکید شده است. به همین دلیل نمونه‌ای از این روایات ذکر شده است. پیامبر(ص) در روایتی، رفاه و آسایش را وظیفه مهم حکومت بر شمرده است: هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌شایه در جهت رفاه و بهورزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد(فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵). امیرمؤمنان(ع) در نامه خود به مالک اشتر، رفاه و گشایش عمومی را وظیفه حاکم می‌شمارد: نزد خدای متعال برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم، حق دارند امور آنان را سامان دهد. رفاه و آسایش مورد نظر اسلامی فقط شامل مسلمانان نمی‌شود، بلکه دولت اسلامی باید حتی رفاه غیر مسلمان را نیز از اهداف اقتصادی خود قرار دهد (سیدرضی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷).

امام باقر(ع) نیز در دعایی، رفاه و توانی را از خدا می‌خواهد تا بتواند خدا را عبادت کند و به سعادت برسد. خدایا! تازمانی که مرا زنده نگه می‌داری، رفاه و آسایش در زندگی ام را از تو می‌خواهم تا بدان وسیله، توان بر اطاعت تو یابم و به وسیله اطاعت تو به بهشت تو نایل آیم. بر اساس آنچه گفته شد، در بینش اسلامی، رفاه مادی به معنای تأمین خواسته‌های تعديل شده به وسیله عقل است و رفاه عمومی نیز به معنای رفاه مادی همه افراد می‌باشد. رفاه مساوی با سعادت نیست. در مقابل، در بینش سرمایه‌داری، رفاه مادی فرد به معنای دست‌یابی به بیشترین لذت مادی با کمترین درد و رنج می‌باشد و رفاه عمومی به معنای دست‌یابی به بیشترین افراد به بیشترین لذت مادی است. که بر این اساس در بینش سرمایه‌داری، سعادت با رفاه مادی یکسان است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۸۵).

۳-۲-۳. اهداف میانی

اهداف میانی، سیاست‌های اقتصادی‌اند که نظام‌های اقتصادی برای نیل به اهداف نهایی خود در صدد تحقق آن‌ها می‌باشند. مهمترین این اهداف با توجه به آنچه که از منابع اسلامی استنباط شده است عبارتند از: عدالت، رشد و امنیت اقتصادی. در روایتی امام صادق(ع) بر این سه مطلب تصریح می‌کنند: «ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرآً إلينه: الامن والعدل والخصب»؛ همه مردم به سه چیز نیازمند هستند: امنیت، عدالت و رشد و آبادانی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹۴)، به یقین همه مردم به این سه چیز نیاز دارند تا به زندگی مطلوب و رفاه دست یابند. بنابراین، این سه امر مقدمه‌ای برای رسیدن به رفاه هستند. وقتی رفاه، هدف عالی

اقتصادی اسلام باشد، امنیت، عدالت و رشد به عنوان اهداف مقدمی، نسبت به هدف عالی، محسوب می‌شوند.

الف) عدالت اقتصادی

یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی، برقراری عدالت فraigیر در همه ابعاد آن از جمله عدالت اقتصادی است که در برخی از آیات و روایات هدف ارسال انبیاء قلمداد شده است. در اهمیت عدالت اقتصادی همین کافی است که حضرت علی (ع) فلسفه نپذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و تقسیم شدن مردم به دو طبقه سیر و گرسنه ذکر می‌کند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۸۲). اقتصاددانان اسلامی معتقدند که عدالت در جامعه اسلامی جایگاه خاص خود را دارد به گونه‌ای که این جامعه برای رسیدن به عدالت اقتصادی طبق دو اصل؛ برابری و انصاف عمل می‌کند و اصل نابرابری فاحش در توزیع کالاهای و درآمد را به شدت نقض می‌کند. اصل برابری در رابطه با فرایندهای اقتصادی و نتایج توزیع ثروت‌های تولید شده است، ولی وجود معاملات اقتصادی نیازمند رعایت اصل انصاف است تا تعیین و توزیع در معاملات عادلانه باشند. بنابراین در آموزه‌های اسلام این امر مورد قبول نیست که عدهای در خوشی و لذت زنگی کنند و عدهای در فقر شکننده به سر بربرند (Kuran, 1989: 172-173). علاوه بر این‌ها ائمه (ع) بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه میان مردم عدالت اجرا می‌شد آن‌ها بی‌نیاز می‌شوند. ایشان در روایت دیگری نیز می‌فرماید: در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد (کلینی، ۱۳۸۹، ص ۵۶۸). اقتصاددانان اسلامی برای جلوگیری از بی‌عدالتی و نابرابری در مکتب اقتصاد اسلامی برای دولت نقش فعالی در نظرمی‌گیرند. (Kuran, 1989: 177). در تمدن مادی جدید که از نظر تاریخی، مکتب سرمایه‌داری مظہر آن است معمولاً رشد سرمایه هدف غایی اساسی فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، زیرا در رژیم سرمایه‌داری «ماده» بالاتر از همه ارزش‌ها قرار داشته و غیر از آن هدفی شناخته نشده است. سرمایه‌داری از دیاد سرمایه را صرف نظر از نحوه توزیع مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین طرفداران این نظام معتقدند که با افزایش مجموع ثروت ملی فقر از میان می‌رود و هدف که رفاه عمومی است خود به خود تحقق می‌یابد. از طرفی دیگر، از نظر نظام سرمایه‌داری برقراری عدالت اقتصادی زیاد مهم نیست (صدر، ۱۳۴۹، ص ۲۷۷). در ادبیات معاصر اقتصاد اسلامی

این امر در بسیاری از موارد اثبات شده است که مکتب اقتصاد اسلامی در برقراری عدالت اقتصادی نسبت به نظام اقتصاد سرمایه‌داری حداقل در تئوری اهمیت بیشتری قائل است (Kuran, 1989: 171).

ب) امنیت و رشد اقتصادی

در اکثر نظامهای اقتصادی امنیت به عنوان شرط اساسی رشد و توسعه در کشور و یکی از شاخصهای توسعه‌یافته‌گی، به شمار می‌رود به گونه‌ای که حتی نظام سرمایه‌داری نیز که معتقد به حداقل دخالت دولت می‌باشد یکی از اهداف و وظایف دولتها را برقراری امنیت داخلی و خارجی می‌داند. تأمین امنیت یکی از عوامل اساسی جذب سرمایه‌های ملی برای تولید می‌باشد. ولی در برخی از نظامهای دیگر مانند سرمایه‌داری توجه اصلی به این هدف امنیت سرمایه صاحبان سرمایه‌های بزرگ است. امنیت مورد توجه اسلام که در کلام حضرت علی (ع) «فیامن المظلمون من عبادک» شده است به عنوان یکی از اهداف نظام تلقی شده است امنیتی فraigیر در همه ابعاد اجتماعی است که تنها متوجه گروههای خاص نمی‌باشد بلکه متوجه همه مردم است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، صص ۸۵-۸۶). اساساً لازمه‌ی پذیرش رفاه عمومی به عنوان هدف عالی اقتصاد حکومت اسلامی، پذیرش رشد اقتصادی، به مثابه هدف مقدمی برای آن است. چنان‌که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر درباره مالیات به مالک تأکید می‌کند که تلاش تو برای آبادانی زمین باید بیشتر از تلاش تو برای جمع‌آوری خراج باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: اگر بیشتر می‌خواهی، باید به آبادانی بیشتر پردازی تا مردم به واسطه آبادانی بیشتر، صاحب درآمد و رفاه بیشتر شوند و تو هم بتوانی مقدار بیشتری از درآمدهای آنها را به صورت مالیات دریافت کنی (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷). در نظام سرمایه‌داری، رشد اقتصادی هدفی در رتبه دیگر اهداف هم‌چون رفاه عمومی، بلکه بالاتر از آن به شمار می‌آید. البته می‌توان گفت که در این نظام رشد اقتصادی بالاتر و مهم‌تر از عدالت اقتصادی است (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). معمولاً در این گونه نظامها رشد سرمایه هدف غایبی اساسی فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، زیرا در رژیم سرمایه‌داری «ماده» بالاتر از همه ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

۴. اهداف جاری

اهداف جاری، برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که نظام اقتصادی برای رسیدن به اهداف میانی و عالی در پیش می‌گیرد. چنین برنامه‌هایی ضرورتی ندارد که به طور مستقیم از طرف آموزه‌های

دینی تأیید شوند ولی باید هم در چارچوب موازین اسلامی و هم در راستای اهداف میانی و نهایی باشند. این گونه اهداف معمولاً محدود نمی‌باشند و در چارچوب سه هدف تثبیت، توزیع و تخصیص دسته‌بندی می‌شوند.

۴-۱. تثبیت اقتصادی

منظور از تثبیت اقتصادی، جلوگیری از نوسانات و بحران‌های اقتصادی است این اندیشه در قالب اهداف زیر امکان‌پذیر است:

الف) ایجاد اشتغال و رفع بیکاری

فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و از بین بردن بیکاری، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود و به تحقق عدالت اقتصادی کمک می‌کند و هم‌چنین ضریب امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ چون بیکاری همیشه تهدید جدی برای اقتصاد کشور است و باعث اعتراض‌های اجتماعی می‌شود. این امر امنیت اجتماعی و اقتصادی را در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین ایجاد اشتغال و رفع بیکاری باعث تحقق هر سه هدف میانی می‌شود. با تحقق اهداف میانی مکتب اقتصادی اسلام، رفاه عمومی افزایش می‌یابد (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰). در اسلام، هم به صورت فردی و هم در سطح کلان، بر این مسئله تأکید فراوان شده است، به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) نیز در طول اقامت خود در مدینه، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. بالا بردن سطح اشتغال، منحصر در نیروی انسانی نیست، بلکه مقصود به کار بستن تمام امکانات بالقوه موجود در جامعه است که از آن به اشتغال کامل تعبیر می‌شود. بنابراین یکی از وظایف مهم دولت اسلامی این است که جهت گیری سیاستی خود را در جهت بهبود کیفی و کمی عوامل تولید و اشتغال کامل سوق دهد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۸۹). در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مکانیسم بازار به عنوان ابزار ایجاد تعادل و اشتغال کامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا، اقتصاددانان مکتب شیکاگو و در رأس آن‌ها فریدمن مکانیسم بازار را برای ایجاد تعادل اقتصادی و اشتغال کامل با استفاده از نرخ دستمزد و نرخ بهره کافی دانسته‌اند (نمایزی، ۱۳۹۳، صص ۱۷۲-۱۷۳).

ب) ثبت سطح عمومی قیمت‌ها

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمد را به نفع اغنية و به ضرر اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه به هم می‌ریزد. درآمد قشرهای متوسط و فقیر روز به روز کمتر و درآمد اغنية بیشتر می‌شود. این امر باعث افزایش شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه امکانات اقتصادی در جامعه می‌گردد. از طرفی دیگر، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یک نوع تهدید برای امنیت اقتصادی جامعه به شمار می‌آید. با توجه به رابطه معکوس بین قیمت نهاده‌های تولید و میزان تولید، با افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی میزان محصول تولیدی کاهش می‌یابد که این وضعیت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بر عدالت، امنیت و رشد اقتصادی جامعه تأثیر منفی دارد ولی در صورتی که قیمت‌ها ثبت شوند، وضعیت اقتصادی به سمت عدالت، امنیت و رشد اقتصادی سوق خواهد یافت. دولت اسلامی به کمک سیاست‌های اقتصادی قیمت‌ها را در سطح معادلی قرار می‌دهد. برای این منظور، از یک طرف دولت با سیاست حمایتی از تولیدکنندگان و برنامه‌ریزی در جهت افزایش بهره‌وری و فناوری تولید، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر، با بهره‌گیری از آموزه‌های حیات‌بخش اسلام در زمینه تشویق به قناعت و نکوهش اسراف و حرص‌ورزی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

کینز معتقد است در جامعه سرمایه‌داری که تعیین قیمت‌ها در شرایط رقابت کامل صورت نمی‌گیرد و بنگاههای انحصاری هر کدام قیمت خود را در حدی تعیین می‌کنند که از قیمت رقابتی بیشتر و مقدار تولید از مقدار تولید رقابتی کمتر شود، بنابراین همواره مقداری بیکاری وجود دارد. برای رفع این مشکل، وی ضمن به رسمیت شناختن مکانیسم تعادل خودکار بازار معتقد است که دولت در موقع لزوم بایستی در نظام اقتصادی دخالت کند و با اعمال سیاست‌های پولی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند (تفضیلی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۳).

ج) ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی

یکی از اهداف سیاست‌های اقتصادی، ایجاد تعادل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و ثبت ارزش پول ملی است؛ زیرا هرگاه حساب ترازپرداخت‌های یک کشور به طور مداوم دچار کسری باشد، افزون بر بروز اختلالاتی در متغیرهای درونی اقتصاد (مانند اثر بر روی سطح قیمت‌ها) موجب کاهش و از بین رفتان اعتبار آن کشور و ایجاد مشکل در روابط تجاری با سایر کشورها شده و زمینه‌های وابستگی اقتصادی را نیز فراهم می‌کند. این هدف از طریق حفظ

ارزش پول ملی و حفظ قدرت خرید آن در عدالت اقتصادی، امنیت، حفظ استقلال اقتصادی و داشتن اقتصادی مقدر تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، دولت اسلامی باید با اجرای سیاست‌هایی مانند تشویق به تولید کالاهای با کیفیت بالا که در آن مزیت نسبی دارد جهت جلب توجه بازارهای خارجی، نظارت و کنترل بر واردات، پرهیز از صدور مواد اولیه و خام و تبدیل آن‌ها با فراورده‌های بیشتر و ... تأمین کننده این اهداف باشد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۹۱).

د) رشد و توسعه اقتصادی

از منظر قرآن، پیشرفت و توسعه نیازمند صبر و تحمل، مشقت و سختی‌ها در مسیر پیشرفت و کمال است. قرآن کریم صبر ایجابی و واقع بینانه را به عنوان یکی از عوامل موفقیت چه در اقتصاد متعارف و چه در اقتصاد اسلامی می‌داند. به همین دلیل همواره در کنار دستور به توافقی به حق، دستور به توافقی به صبر را نیز یادآوری می‌کند (یونس‌المصری، ۱۴۲۶، صص ۵۵-۶۰). یکی از اهداف اصلی همه نظام‌های اقتصادی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی به معنای افزایش تولید ناخالص ملی است. هر کدام از سیستم‌های اقتصادی ماهیت و لزوم رشد را تنها با شیوه‌های مورد نظر خود قبول داشته و شیوه‌های مخالف را رد می‌کنند. نظام سرمایه‌داری روش‌هایی را که با آزادی اقتصادی منافات داشته باشد مردود می‌شناسد. اسلام نیز شیوه‌هایی را که با نظریه توزیع و ایده‌های عدالت‌خواهی معارض باشد را قبول ندارد (صدر، ۱۳۴۹، ص ۲۵۹).

۴-۲. توزیع عادلانه

امر تولید و توزیع در نظام اقتصاد سرمایه‌داری معمولاً با اشتراك و همکاری چند عنصر انجام می‌شود. بنابراین محصول را باید به نسبت سهمی که هریک از عوامل در تولید دارند، تقسیم کرد. کینز و بسیاری از اقتصاددانان در بررسی پژوهش‌های اقتصادی خود درباره توزیع مناسب درآمد بین نیروی کار و سرمایه به این نتیجه رسیدند که فناوری به تنها بی مسئله توزیع درآمد اولیه بین نیروی کار و سرمایه را تعیین می‌کند و مسئله توزیع درآمد هیچ ارتباطی به ترتیبات اجتماعی و سیستم اقتصادی یا عدالت اقتصادی ندارد. (Brada, 2013: 334-335). ولی، اسلام با این نظریه سرمایه‌داری مخالف و آن را قبول ندارد (صدر، ۱۳۴۹، ص ۱۹۵). در نظام اقتصادی اسلام با توجه به اینکه تحقق عدالت اقتصادی از اهداف مهم آن به شمار می‌رود، به

مسئله توزیع حساسیت بسیاری نشان داده و به منظور زدودن فقر و برقراری رفاه عمومی در سطح جامعه، توزیع عادلانه ثروت و درآمد را در سه مرحله ترسیم کرده است:

الف) توزیع پیش از تولید

مقصود از توزیع پیش از تولید، شیوه بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی چون زمین، آب و مباحث عمومی (ماهی، پرندگان و...) است. اسلام در حدود نظریه عمومی توزیع قبل از تولید؛ کسب حقوق خصوصی در منابع طبیعی را به رسمیت می‌شناسد (صدر، ۱۳۴۹، ص ۹۵). احکام مالکیت عمومی و دولتی در مورد ثروت‌های طبیعی و نحوه بهره‌برداری افراد از آن‌ها، نظریه توزیع قبل از تولید را مطرح می‌کند. در اقتصاد سرمایه‌داری بحث توزیع روی تعیین سهم عوامل تولید از محصول متمرکز می‌شود و سرمایه، زمین یا طبیعت، نیروی کار انسانی، عوامل اصلی تولیدند که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و سهم آن‌ها ناشی از تولید به وسیله مکانیسم بازار و از طریق نرخ بهره، اجاره و دستمزد تعیین می‌شود. به بیانی دیگر، بر مبنای اصل آزادی، مالکیت فردی بر منابع طبیعی امکان‌پذیر است و بهره‌برداری از آن از راه به کارگیری سرمایه و نیروی کار است (نمایی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶).

ب) توزیع بعد از تولید

توزیع در اقتصاد سرمایه‌داری مربوط به ارزش نقدي کالاهای خدمات تولیدی میان عوامل شرکت کننده در تولید می‌باشد. به این ترتیب صاحب سرمایه، صاحب زمین، کارفرما و کارگر هر کدام سهم ویژه‌ای از محصول را برداشت می‌کنند. بنابراین در این چنین نظامی تنها توزیع پس از تولید مورد مطالعه قرار می‌گیرد (صدر، ۱۳۴۹، ص ۶۰). کار و سرمایه در نظام سرمایه‌داری هر دو از جمله عوامل و عناصر شرکت کننده در تولیداند، طبیعتاً نتیجه تولید به نسبتی که عرضه و تقاضا و سایر قوانین حاکم بر توزیع تعیین می‌کنند، میان آن‌ها تقسیم می‌شود. ولی در نظریه پس از تولید، طبق نظریه اسلام، محصول و درآمد تولیدی، فقط در مالکیت کسی است که روی مواد اولیه طبیعی شخصاً کار کرده باشد و صاحبان ابزار تولید – زمین و سرمایه – که در تولید از آن‌ها استفاده شده، سهمی از محصول نمی‌برند بلکه از سود منتفع می‌شوند، زیرا ابزار و وسائل مزبور در تولید جنبه فرعی داشته و تنها در مهار کردن طبیعت به کار می‌آیند (صدر، ۱۳۴۹، ص ۱۹۶). علت اساسی اختلاف میان نظریه توزیع در مکتب اقتصاد اسلام و نظام سرمایه‌داری، اختلاف شخصیت و نقش انسان در تولید از دیدگاه این دو نظام است. در نظام اقتصاد سرمایه‌داری انسان وسیله است در خدمت تولید و در نتیجه در ردیف سایر عوامل تولید قرار می‌گیرد و مانند آنها از تولید سهم می‌برد. ولی در مکتب

اقتصاد اسلام، انسان سازنده و تولیدکننده، هدف و غایت مقصود است. بنابراین صاحب اصلی ثروتی است که به با کار او یعنی عامل غیرمادی تولید ایجاد شده است (نمایی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۹).

ج) توزیع مجدد

قرآن کریم به توزیع مجدد ثروت به عنوان یکی از ابزارهای مانع چرخش سرمایه بین اغنیاء می‌پردازد تا از این طریق ثروت در همه سطوح اقتصادی به چرخش درآمده و همه گروههای اقتصادی نقش خود را در اقتصاد ایفا نمایند تا از ظلم، سرکشی و طغیان ناشی از ثروت‌های بی حد از سوی ثروتمندان جلوگیری کند (یونس‌المصری، ۱۴۲۶، ص ۹۴-۱۰۲). در دو مرحله پیشین، ملاک اصلی توزیع ثروت و منافع در بین افراد، کار (درصورتی که سرمایه نیز نوعی کار ذخیره شده فرض شود) بود. اما در این مرحله، ملاک توزیع، نیاز افراد است. بی‌تردید ناتوانی گروهی از افراد از شرکت در فعالیتهای اقتصادی و نیز وجود برخی از عوامل طبیعی در فرآیند تولید (اختلاف در استعداد، ریسک‌پذیری و شرایط اقلیمی)، سبب تفاوت در درآمد افراد شده و به بروز شکاف طبقاتی منجر می‌گردد. اسلام به منظور از بین بردن این شکاف و جلوگیری از فقر در سطح جامعه، تنها به توصیه‌های اخلاقی اکتفا نکرده است. حق این افراد در اموال دیگران که به عنوان «حق معلوم» در قرآن مورد تأکید قرار گرفته بر اساس حق مشارکت آن‌ها در ثروت‌های عمومی و دولتی است. ولی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری افزایش احتیاج می‌تواند موجب افزایش عرضه کار و در نتیجه کاهش دستمزد شود و حتی اثر منفی روی توزیع بگذارد. اگر چه در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مقرراتی با تعیین حداقل دستمزد، از تأثیر منفی احتیاج بر توزیع کاسته شده و با برقراری تأمین اجتماعی، احتیاج در توزیع مدخلیت یافته است، اما این اقدامات تنها در شرایط زور و فشارهای اجتماعی انجام گرفته و به قیمت نقض بعضی از اصول نظام سرمایه‌داری از جمله تعادل خودکار و عدم مداخله دولت تمام شده است (نمایی، ۱۳۹۳، صص ۳۸۱-۳۸۳).

۴-۴. تخصیص بهینه منابع

یکی از اهداف تمام نظامهای اقتصادی، تخصیص منابع به طور کارا است. سیاست‌های اقتصادی در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام، به دنبال آن است که استفاده از منابع در اقتصاد به صورت کارا انجام شود یا حداقل عدم کارایی‌ها را به کمترین میزان ممکن کاهش دهد. اولین هدف تخصیص منابع رفع نبازهای ضروری و اساسی عموم است. برای رسیدن به این هدف، تخصیص منابع ابتدا از طریق نیروهای بازار انجام می‌گیرد؛ اما در صورتی که چنین تخصیصی از دیدگاه

ملاحظات اخلاقی و اجتماعی با اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی ناسازگار باشد اصلاح و تعديل می‌گردد. تخصیص منابع در نقاط مختلف جامعه اسلامی براساس عدالت انجام می‌گیرد. دولت اسلامی موظف است از طریق اعمال سیاست‌های مالی و پولی منابع را به سمت مناطقی که فعالیت اقتصادی برای تولید کالاهای ضروری و ایجاد استغال به صرفه نیست، جهت دهد. ولی در مقابل در نظام سرمایه‌داری تخصیص منابع از طریق عملیات بازار آزاد تخصیص می‌یابد. قیمت‌های متفاوت برای محصولات، منابع را از مصارف با سود کمتر به سمت مصارف سودآور تر هدایت می‌کند. سیستم بازار منابع را مطابق با ترجیحات مصرف‌کننده که از طریق تقاضا برای محصولات مختلف آشکار می‌گردد تخصیص می‌دهد. از طرف عرضه نیز تولیدکنندگان با توجه به برابری هزینه‌های نهایی و درآمد سطح محصول تولیدی مورد نظر خود را تعیین می‌کنند. با توجه به این روش‌ها نابرابری درآمدها روز به روز بیشتر و پایدارتر می‌شود. در نتیجه کسانی که قدرت اقتصادی بالاتری دارند منابع تولیدی جامعه را برای رفع نیازهای خود به کار می‌گیرند و هر کالایی که از نظر اقتصادی مطلوب ولی برای جامعه مضر باشد را تولید می‌کند ولی از طرفی دیگر هر کالایی را که توجیه اقتصادی نداشته باشد را تولید نمی‌کند، هر چند که ضروری و اساسی هم باشد (فرهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۹۵-۹۷).

جمع بندی و نتیجه گیری

این پژوهش بیان می‌کند که نظام اقتصادی، مجموعه‌ای مرتبط و هماهنگ است که برای رسیدن به تعادل اقتصادی و اهداف اقتصادی مورد نظر خود تلاش می‌کند. اهداف هر نظام اقتصادی محور تمام سیاست‌ها، قانون‌گذاری‌ها و توصیه‌های اخلاقی آن نظام است. نظام‌های اقتصادی مختلفی از جمله مکتب اقتصاد اسلام و نظام اقتصاد سرمایه‌داری در جامعه وجود دارند که هر کدام از این نظام‌ها بر اساس جهان‌بینی و نگرش خاص خود، شکل گرفته‌اند، که در چارچوب همین جهان‌بینی و نگرش حاکم بر خود، روش‌های متفاوتی را برای نیل به اهداف اقتصادی خود در پیش می‌گیرند. مکتب اقتصادی اسلام تنها نظام اقتصادی است که از علم بی‌پایان الهی نشأت گرفته و جهان‌بینی حاکم بر آن براساس قرآن، سنت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) است. ولی در مقابل می‌توان گفت که نظام اقتصاد سرمایه‌داری نظام قدرتمند حاکم بر جامعه است که توسط کارگزاران و سرمایه‌داران خصوصی شکل گرفته و جهان‌بینی حاکم بر آن بر اساس خداشناسی طبیعی، اصالت فرد و آزادی‌های فردی می‌باشد که نتیجه آن همان

قدرت اقتصادی و رسیدن به حداکثر منافع مادی و شخصی است. به طور خلاصه نتایج زیر از تطبیق و بررسی این دو نظام حاصل شد:

(الف) مکتب اقتصادی اسلام ثابت و جهان شمول است، بنابراین جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم برآن مستلزم اهداف خاصی هستند که در قرآن و احادیث به آنها تصریح شده است و برای نیل به اهداف خود از راهکارهایی که در منابع دینی ارائه شده است بهره می‌گیرد. ولی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ثبات و جهان شمول نیست و مبانی اعتقادی آن بر اساس اصول دئیسم است.

(ب) هدف غایی در مکتب اسلامی دستیابی بیشترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت خداوند است و بعد از این هدف رفاه عمومی در این مکتب به عنوان هدف عالی محسوب می‌شود، در حالی که عدالت و امنیت و رشد اقتصادی اهداف مقدمی برای رسیدن به اهداف عالی‌اند. ولی در نظام سرمایه‌داری هدف غایی دستیابی بیشترین افراد به بیشترین سود است. بعد از آن رفاه عمومی با مفهوم خاصی هدف عالی محسوب می‌شود و عدالت و رشد اقتصادی اهداف میانی‌اند.

(ج) در مکتب اقتصاد اسلامی رشد اقتصادی هدف مقدمی برای رسیدن به رفاه عمومی و ابزاری برای رسیدن به آن است. علاوه بر این‌ها رشد اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که باعث بی‌عدالتی، بی‌انصافی و ظلم در جامعه نشود. ولی در نظام سرمایه‌داری رشد هدفی برتر از دیگر اهداف همچون رفاه عمومی است. در این نظام نه تنها به عدالت و انصاف اهمیت داده نمی‌شود بلکه رشد اقتصادی برتر از عدالت است و برای رسیدن به رشد اقتصادی در برخی موقع ظلم و بی‌عدالتی هم صورت می‌گیرد.

(د) در مکتب اقتصادی اسلام عدالت برای رسیدن به عبودیت خداوند و رفاه عمومی ضروری می‌باشد به همین دلیل برای اجرای این امر راهکارهایی همچون کاهش فقر و فاصله طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، جلوگیری از اسراف و تبذیر و... را به کار می‌گیرد. ولی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری رعایت عدالت اقتصادی زیاد اهمیت ندارد و به رعایت آن توجه لازم نمی‌شود.

(ه) بیان شد که اهداف مکتب اقتصاد اسلامی با توجه به جهان‌بینی اسلامی به طور کلی به چهار گروه؛ هدف غایی (قرب الهی)، اهداف عالی (رفاه عمومی)، اهداف میانی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) و اهداف جاری (تنبیت اقتصادی، توزیع عادلانه منابع، تخصیص بهینه منابع) رتبه‌بندی شده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت این چند دسته اهداف با هم ارتباط طولی دارند. سپس مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری با توجه به دو شاخص ثابت و جهان

شمول بودن، با بررسی سه نکته: مفهوم سعادت انسان و جامعه از دیدگاه اسلام، انسان در جهان بینی اسلام و نظام علت و معلولی در جهان بینی اسلام، اهداف نظامهای اقتصادی تطبیق داده شده و اهداف جاری ضرورتی ندارد که مستقیم از ناحیه آموزه‌های دینی تأیید شوند، ولی اجرای این اهداف هم برای تحقق اهداف میانی و نهایی لازم است و هم باید در چارچوب موازین اسلامی باشند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. الكلینی، ابو جعفر بن یعقوب بن اسحاق (ق. ۱۳۸۹)، «کافی»، تهران: دارالكتاب الاسلامیه، الطبعه الثانیه.
۳. ایروانی، جواد (۱۳۹۱)، «انسان اقتصادی از دیدگاه قرآن»، مجله آموزه‌های قرآنی، ش ۱۵، صص ۳-۲۶.
۴. تقضی، فریدون (۱۳۷۵)، «تاریخ عقاید اقتصادی»، نشر نی، فصل ۱۶، چاپ دوم، صص ۳۶۳-۳۹۳.
۵. چارلز وست، چرچمن (۱۳۶۹)، «نظریه سیستم‌ها»، ترجمه رشید اصلانی، انتشارات مرکز مدیریت دولتی، فصل اول، چاپ دوم، صص ۳۱-۱۶.
۶. دادگر، یدالله (۱۳۷۸)، «نظم سرمایه‌داری از زبان اقتصاددانان سرمایه‌ای»، مجله کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۱۴۶-۱۷۳.
۷. ری‌شهری، محمد (۱۳۷۴)، «میزان الحكمه»، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، ج ۴.
۸. سید رضی (۱۳۸۳)، «نهج البلاغه»، مترجم: محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات حضور، نامه ۵۳، چاپ دوم.
۹. صدر، محمد باقر (۱۳۴۸)، «اقتصاد ما»، مترجم: محمد کاظم موسوی، تهران: انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.
۱۰. صدر، محمد باقر (۱۳۴۹)، «اقتصاد ما»، ترجمه استهبدی، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۲.
۱۱. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱)، «جایگاه سیاست‌های اقتصادی در اسلام»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. فراهانی‌فرد، سعید و محسن کشاورز (۱۳۹۳)، «بررسی تجربی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، صص ۷-۳۰.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، «وحی و نبوت»، قم: انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم.

۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، «شش مقاله؛ جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.

۱۵. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۱)، «اقتصادی اسلام ساختار کلان»، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۶. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸)، «تقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام»، کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۶۴-۸۷

۱۷. منذر قحف (۱۳۸۴)، «دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و تحلیل اقتصاد اسلامی»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۷۸.

۱۸. موسویان، عباس (۱۳۸۱)، «دین و اقتصاد»، اقتصاد اسلامی، شماره ۸، صص ۳۷-۶۰.

۱۹. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵)، «ابهام در اهداف نظام اقتصاد اسلام و ساماندهی آن»، اقتصاد اسلامی، صص ۱۰۱-۱۲۶.

۲۰. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷)، «اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۵۰، صص ۳۱-۶۶.

۲۱. یونس المصری، رفیق (۱۴۲۶)، «الاعجاز الاقتصادي للقرآن الكريم»، دمشق: الانتشارات دار القلم.

۲۲. نظری، حسن آقا (۱۳۸۵)، «نظریه پردازی اقتصاد اسلامی»، انتشارات سمت، چاپ اول.

۲۳. نمازی، حسین (۱۳۹۳)، «نظام‌های اقتصادی»، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

24. Angeles, Peter; (1981), Dictionary of Philosophy, Barnes and Noble Books, New York.

25. Berend, Ivan T; (2015), Capitalism, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Eds), Elsevier: Oxford, PP. 94- 98.

26. Brada, J.C; (2013) ,the Distribution of Income Between Labor and Capital Is Not Stable: But Why Is That So and Why Does It Matter?, Economic Systems, 37(3): PP. 333-344.

27. Kocka, J.R. and J.D. Wright; (2015), Capitalism: The History of the Concepts, in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Eds.), Elsevier: Oxford, PP. 105-110.

28. Kuran, T; (1989), On the Notion of Economic Justice in Contemporary Islamic Thought, International Journal of Middle East Studies, 21(02): PP. 171-191.

29. Pryor, F.L; (2010), Capitalism and Freedom? Economic Systems, 34(1): PP. 91-104.